



Vol.17, No. 41, Autumn 2022,

Quarterly

ISSN: 1735-4536

Islamicedu@irhu.ac.ir

## A Critical Analysis of Educational Discourse in Children's Religious Fiction: Analyzing the Fiction Flying to the Planet of Freedom

Alireza Moqadam (PhD in the Philosophy of Education, Lecturer at Imam Ali Military University, alirezamoghadam1354@gmail.com)

### ARTICLE INFO

#### Article History

Received: 2021/12/17

Accepted: 2022/7/4

#### Key Words:

Children's religious literature,  
discourse analysis,  
education,  
Mahmoud Hakimi

### ABSTRACT

Children's fiction is one of the most effective forms of non-formal education; Influenced by the existing ideology and discourses, it focuses on some educational elements. Mahmoud Hakimi, as one of the most prolific children's writers in the social and political atmosphere of the years before the Islamic Revolution and in opposition to the discourse of the domination system, has written stories for children and chosen religious education, which was concern for him and a part of the intellectual community at that time, as the appropriate content for his stories. The present study aims to analyze and explain the fiction the Flying to the Planet of Freedom, which is a religious fiction, in order to extract some educational elements including educational objectives, behavioral patterns, and educational methods paid more attention by ideologies. The research method is critical discourse analysis through purposive sampling. The findings of this study confirm five discourses in terms of discourse analysis. Hakimi has explained and criticized four common discourses of his time: Marxist Left, Christianity, Nationalism, and Secularism. The fifth discourse is the discourse of Shia Islam and the dominant discourse, and the educational themes in this work have been formed under the influence of this discourse and in opposition to other discourses, and while marginalizing other discourses, it has given its own discourse superiority.

## تحلیل انتقادی گفتمان تربیتی در ادبیات داستانی دینی کودکان:

### تحلیل داستان پرواز به سوی سیاره آزادی

علیرضا مقدم (دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، مدرس دانشگاه افسری امام علی (علیه السلام)؛ alirezamoghadam1354@gmail.com)

#### اطلاعات مقاله

#### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۳

#### واژگان کلیدی:

ادبیات دینی کودکان،

تحلیل گفتمان،

تعلیم و تربیت،

محمود حکیمی

ادبیات داستانی کودکان یکی از مؤثرترین اشکال تعلیم و تربیت غیررسمی است؛ که متأثر از ایدئولوژی و گفتمان‌های موجود برخی عناصر تربیتی را در کانون توجه قرار می‌دهد. محمود حکیمی به‌عنوان یکی از پرکارترین نویسندگان کودکان در فضای اجتماعی و سیاسی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی و در تقابل با گفتمان نظام سلطه به نگارش داستان‌هایی برای کودکان پرداخته است و تربیت دینی را که دغدغه‌ی خود و بخشی از جامعه روشنفکری آن زمان بود را محتوای مناسب برای داستان‌هایش انتخاب کرده است. پژوهش حاضر با روش تحلیل گفتمان انتقادی و به‌صورت هدفمند داستان «پرواز به سوی سیاره آزادی» را که از گونه داستان‌های دینی است، با هدف استخراج برخی عناصر تربیتی شامل اهداف تربیتی، الگوهای رفتاری و روش‌های تربیتی که در نظام‌های اعتقادی (ایدئولوژی‌ها) بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند، تحلیل و تبیین کرده است. نتایج این پژوهش از نظر تحلیل گفتمانی وجود پنج گفتمان را تأیید می‌کند. حکیمی چهار گفتمان رایج هم‌عصر خود یعنی؛ گفتمان چپ مارکسیست، مسیحیت، ملی‌گرایی و سکولار را توصیف و مورد نقد قرار داده است. گفتمان پنجم، گفتمان اسلام شیعه و گفتمان غالب و تعلق گفتمانی او است و مضامین تربیتی در این اثر متأثر از همین گفتمان و در تقابل با سایر گفتمان‌ها شکل گرفته و ضمن به حاشیه بردن سایر گفتمان‌ها، گفتمان خود را برتری بخشیده است.

## مقدمه

داستان‌های دینی به مفهوم سنتی و کهن آن برای سده‌های بلند در جامعه ایران حضور داشته است که یا ریشه در دین زردشتی داشته و یا ریشه در داستان‌های قرآنی و اسلامی. ویژگی بارز این داستان‌ها آن بود که با بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی، کودکان و مخاطبان خود را به رستگاری رهنمون می‌شدند؛ اما داستان‌های دینی نو که در سده بیستم میلادی وارد فرهنگ و ادبیات ایران شد دارای تفاوت بنیادینی با نسل قبلی این داستان‌ها بودند. نگرش نویسندگان این‌گونه داستان‌ها به دین فراتر از آموزه‌های اخلاقی می‌رفت و خواهان دخالت دین در زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه بود تا بتواند در زندگی مردم دگرگونی پدید آورد (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ج ۹، ص ۶۱۰). این شیوه داستان‌نویسی اگرچه خود در واکنش به شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه آن عصر به وجود آمده بود در پی دخالت دین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی جامعه بود تا بتواند در زندگی مردم دگرگونی ایجاد کند. نویسندگان داستان‌های دینی کودکان با نگرش و جهان‌بینی دینی خود در مقابل جامعه نادلخواه خود به خلق آثاری پرداختند.

مطالعه زبان‌شناسی انتقادی ادبیات کودکان حوزه جوانی است؛ اما تعدادی از محققان اذعان دارند که ادبیات کودکان نوعی گفتمان است که می‌تواند خوانندگان خود را تحت تأثیر قرار دهد. سطح ایدئولوژیک ادبیات کودکان توانایی تلقین، تحول و توانمندسازی خوانندگان خود را دارد (کیوز و مک‌گیلیکادی، ۲۰۱۴، ص ۱۰-۱۱). داستان‌های کودکان، مانند دیگر انواع گفتمان تا حد زیادی براساس ارزش‌ها و باورهای شخصی (ایدئولوژیکی) کسانی که آنها را می‌نویسند شکل گرفته است؛ به عبارت دیگر، ساختار زبانی این داستان‌ها منعکس‌کننده موضع ایدئولوژیک نویسنده آن است (سیمپسون و مایر، ۲۰۱۰، ص ۵). علاوه بر این، ایدئولوژی در ادبیات کودکان نه تنها منعکس‌کننده مواضع ایدئولوژیک نویسندگان است، بلکه اغلب مواضع جامعه‌ای را که بخشی از آن هستند نیز نشان می‌دهد. از سوی دیگر ممکن است نویسندگان از طریق نوشته‌های خود در برابر ایدئولوژی حاکم بر جامعه مقاومت نشان دهند.

استیونز<sup>۱</sup> و مک‌کالم<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) که به مطالعه ایدئولوژی در

ادبیات کودکان پرداخته‌اند، معتقدند که ایدئولوژی‌ها، نظام‌های اعتقادی هستند که در هر جامعه، برای ایجاد مفهومی از جهان، رفتار یک اجتماع نفوذ می‌کنند و اساس فعالیت‌ها و نموده‌های اجتماعی اعضای گروه را شکل می‌دهند. از سوی دیگر گفتمان ادبی نیز به‌گونه‌ای بیشتر خودآگاه، در خدمت تولید، بازتولید و به چالش کشیدن ایدئولوژی‌ها است؛ بنابراین تمامی جنبه‌های گفتمان متنی از ایدئولوژی آکنده هستند و به‌وسیله آن ساخته می‌شوند. متن‌هایی که برای کودکان تولید می‌شوند، به‌ندرت ایدئولوژی را به‌صورت درون‌مایه انتخاب می‌کنند؛ بلکه یا به‌صورت ضمنی، کاربرد اجتماعی ایدئولوژی را در تعریف ارزش‌های گروهی بازتاب می‌دهند و یا به دنبال آن‌اند که ایدئولوژی‌های پذیرفته‌شده را به چالش بکشند و آنها را با ساختارهای جدیدی جایگزین کنند. هیچ روایتی خالی از ایدئولوژی نیست و از آنجا که روایت‌هایی که به خوانندگان کم‌سال اختصاص یافته‌اند، مدعی تمرکز اصلی بر شخصیت‌ها و رویدادهایی هستند با کنش‌های دنیای واقعی این خوانندگان هم‌شکل‌اند، این روایت‌ها همواره با لایه‌های هم‌پوش جایگاه‌های ایدئولوژیک پوشیده شده‌اند. روایت ممکن است با مشکل‌های اجتماعی ویژه‌ای به‌عنوان جنبه‌های داستان یا درون‌مایه سروکار داشته باشد و کم‌وبیش نگرش‌های آشکاری را در مقابل این معضل‌ها ابراز کند. جز این صورت، چنانچه روایت، نیت آشکاری نداشته باشد، معمولاً ایدئولوژی نهان را در قالب ساختارهای مفروض اجتماعی و عادت‌های فکری بیان می‌کند؛ بنابراین ایدئولوژی‌ها می‌توانند در کتاب‌هایی که باورها و پندارهای ناخودآگاه نویسندگان و خوانندگان را بازتولید می‌کنند، قدرتمندتر عمل کنند. چنین متن‌هایی ایدئولوژی را به‌صورت نامحسوس درمی‌آورند و با طبیعی جلوه‌دادن آنها، به موقعیت‌های ایدئولوژیک پنهان مشروعیت می‌بخشند (آقاپور، ۱۳۹۷، ص ۸). به‌عبارت دیگر، یک کتاب که برای خواننده ظاهراً بدون ایدئولوژی به نظر می‌رسد در واقع نزدیک به پیش‌فرض‌های ناخودآگاه آن خواننده است و شناسایی چنین ایدئولوژی‌هایی اغلب نیاز به

### چارچوب نظری و روش‌شناسی پژوهش با تأکید بر رویکرد نورمن فرکلاف<sup>۳</sup>

در این بخش بنا داریم که مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش را توأمان بیاوریم؛ چراکه در تحلیل گفتمان نظریه و روش به یکدیگر پیوند خورده‌اند. در واقع هریک از رویکردهای تحلیل گفتمان صرفاً یک روش تحلیل داده نیستند؛ بلکه یک کل نظری و روش‌شناختی یا یک بسته کامل‌اند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۲۱). وقتی بخواهیم از جنبه روشی به تحلیل گفتمان نگاه کنیم، ناگزیر به طرح مباحث نظری نیز هستیم زیرا در تحلیل گفتمان رابطه تنگاتنگی بین نظریه و روش تحلیل گفتمان وجود دارد و این دو، چنان درهم تنیده شده‌اند که جدایی آنها عملاً ممکن نیست. تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آنها در انواع گوناگون مطالعه‌ها و برای کندوکاو در قلمروهای مختلف اجتماعی استفاده کرد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۱۷-۱۸).

اصلی‌ترین نظریه پرداز تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است که به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کند. فرکلاف اصرار دارد که گفتمان صرفاً یکی از جنبه‌های مختلف هر عمل اجتماعی است. موضوع موردعلاقه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پژوهشی درباره‌ی تغییر است. کاربردهای انضمامی زبان همواره متکی بر ساختارهای گفتمانی پیشین‌اند، ساختارهایی که کاربران زبان براساس معانی از پیش تعیین‌شده، ساخته‌اند. فرکلاف با استفاده از مفهوم میان‌متنیت - یعنی نحوه اقتباس یک گفتمان از مؤلفه‌ها و گفتمان‌های سایر متون - توجه را بر این امر متمرکز می‌کند. کاربرد انضمامی زبان از طریق تلفیق مؤلفه‌های گفتمان‌های مختلف است که می‌تواند تک‌تک گفتمان‌ها و در نتیجه جهان فرهنگی و اجتماعی را تغییر دهد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۲۶-۲۷).

در این پژوهش از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف استفاده شده است؛ از آن رو که رویکرد فرکلاف نوعی تحلیل

خوانش پیچیده‌ای از زبان متن و گفتمان روایی دارد و از آنجا که گفتمان نوشتاری و شفاهی می‌تواند به‌طور مستقیم ایدئولوژی را بیان و منتقل کند (ون‌دایک، ۲۰۱۵)، تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۱</sup> یک ابزار مناسب برای آشکارسازی ایدئولوژی در ادبیات کودکان است. در میان نویسندگانی که به خلق داستان‌های دینی نو برای کودکان پرداختند محمود حکیمی چهره شناخته‌شده‌تری است (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۲) که در داستان‌هایش به تحولات سیاسی و اجتماعی و انسان نگاه ویژه‌ای دارد. در آثار حکیمی نمودهای زیادی از مذهب شیعه و ارزش‌های اسلامی که در تطابق با سرشت جامعه ایرانی است بازتاب یافته است. بنابراین تحلیل انتقادی گفتمان آثار او می‌تواند فهم مطلوبی را در این خصوص برای ما صورت‌بندی کند. این مقاله از طریق تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال شناسایی گفتمان یا گفتمان‌ها و مضامین تربیتی متأثر از این گفتمان‌ها و همچنین ساختارهای اجتماعی و سیاسی مولد آنها در داستان پرواز به سوی سیاره آزادی محمود حکیمی است.

### پیشینه پژوهش

جست‌وجوی محقق در میان منابع داخلی و خارجی، برای یافتن مقاله یا کتابی که در پی تحلیل گفتمان تربیتی آثار محمود حکیمی باشد تاکنون بی‌نتیجه بوده است؛ اما در زیر به برخی تحقیقات مشابه اشاره می‌کنیم: تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به‌منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی انتقادی از برخورداری و مدنی (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیتی و شگردهای جلوه‌گری مقوله‌های «اقتدار و آزادی» در داستان‌های فارسی و انگلیسی کودکان از شیروانی شیرینی (۱۳۹۲)، بررسی زبان‌شناختی ادبیات جنگ برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی از مقصدادی (۱۳۸۹)، بررسی جنبه‌های تربیتی کودک و نوجوان در افسانه‌های منطقه گوران کرمانشاه از محمدخانی (۱۳۸۲)، ادبیات کودکان و آموزش غیررسمی: بازنمایی تنوع در ادبیات کودکان فنلاند، پسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۰).

۳. نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) متولد ۱۹۴۱ زبان‌شناس و پژوهشگر بریتانیایی و استاد بازنشسته دانشگاه لنکستر است. او از بنیان‌گذاران تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌رود.

4. Marianne, Jorgensen and Louise, Phillips

1. Critical discourse analysis

2. John. Pesonen

بین ساختار دیدگاه‌های فکری و اجتماعی عام و ساختارهای گفتمان مدار را کشف و تبیین کند (تبریزی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰).

برای تحلیل گفتمان به تجزیه و تحلیل متن منتخب خواهیم پرداخت. از آنجا که با گفتمان سروکار داریم، در این پژوهش، واحد تحلیل ما و داده‌های این پژوهش متنی است. تحلیل این متن بر اساس سطوحی که فرکلاف در روش تجزیه و تحلیل گفتمان تعریف کرده است، در سه سطح انجام می‌گیرد: ۱. سطح توصیف؛ ۲. سطح تفسیر و ۳. سطح تبیین. در سطح توصیفی به توصیف گفتمان معینی می‌پردازد. سطح دوم یا سطح تفسیر به معناکاوای متن در زمینه‌ای معین اهتمام دارد و سطح سوم یا تبیین، ناظر بر علت‌کاوای درون زمینه اجتماعی خاص است. بر مبنای منطق تحلیل روش کیفی در تحلیل گفتمان سه عنصر کلیدی مورد توجه قرار می‌گیرد: ۱. متن؛ ۲. بافت متن و ۳. بافت موقعیتی. به‌طور کلی در تحلیل گفتمان، فرآیند پژوهش از سطح نظری آغاز می‌گردد. پس از فرموله کردن مسئله پژوهش و تبیین نظری آن، در مرحله تجربه (مقام گردآوری داده‌ها) به‌جای پرسش از فرد، از متن پرسش می‌شود؛ در این روش واحد مشاهده متن است (ساعی، ۱۳۸۷، ص ۱۸۵)

«داستان پرواز به‌سوی سیاره آزادی» به‌خوبی دغدغه‌های ویژه حکیمی نسبت به نفوذ فرهنگ و ادبیات غرب در ایران را نشان می‌دهد. او در این داستان، به ترسیم فضای سیاسی-اجتماعی و فرهنگی دهه‌ی پنجاه اشاره می‌کند و با بهره‌گیری از آیه‌های قرآن و گفته‌های بزرگان دین کودکان را با ارزش‌های اسلام شیعه آشنا می‌کند. موضوع دیگری که این اثر را در بین آثار حکیمی دارای ارزش پژوهشی می‌کند گفتارهای متنوع اجتماعی شخصیت‌های داستان است؛ چراکه به اعتقاد میخائیل باختین<sup>۳</sup> هر اثر داستانی که واجد صداهای گوناگون باشد، دارای ارزش پژوهشی است (احمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۵۸). در این رمان می‌توان، سطوح سه‌گانه رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان را مورد بررسی قرارداد

### خلاصه داستان

پرواز به‌سوی سیاره آزادی داستان سفینه‌ای فضایی است به نام

گفتمان متن محور است و بر اهمیت تحلیل نظام‌مند زبان گفتار و نوشتار، تأکید دارد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۴، ص ۱۱۷) و همچنین یک روش ایده‌آل برای ارزیابی زمینه‌های اجتماعی است که هدف اصلی آن ساختارشنکی مفروضات ضمنی در زبان است (پارکر، ۱۹۹۲، ص ۱۳۷). به اعتقاد پوند<sup>۱</sup> گرچه تحلیل گفتمان انتقادی عموماً در مورد تجزیه و تحلیل گفتمان سیاسی کاربرد دارد؛ می‌توان آنها را برای تمام متونی که با هدف متقاعد کردن یا تأثیر بر نظر یا رفتار خواننده سروکار دارد، از جمله ادبیات کودکان اعمال کرد (مارتینز، ۲۰۱۵، ص ۷). فرکلاف بر اهمیت بازنمایی واقعیت و رابطه بین متن و واقعیت تأکید می‌کند. به‌طور خاص، بازنمایی گفتمان در «داستان پرواز به‌سوی سیاره آزادی» با تطبیق تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که به‌ویژه بر زمینه اجتماعی و فرهنگی تأکید دارد، تحلیل می‌شود. مطابق نظر فرکلاف بین گفتمان و چارچوب متنی تعامل وجود دارد. با به‌کارگیری تحلیل گفتمان انتقادی، استراتژی زبانی در متن را می‌توان بیرون کشیده و شرح داد و موضع ایدئولوژیک نویسنده یا گوینده را کشف کرد (ماچین و مایر، ۲۰۱۲<sup>۲</sup>).

بنابراین پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر رویکرد تحلیل گفتمان است که به‌عنوان یکی از صور روش‌های کیفی در مباحث روش‌شناسی مکاتب تفسیرگرا و هرمنوتیک محسوب می‌شود؛ زیرا در تحلیل گفتمان به‌جای شمارش و مقادیر آماری با معناشناسی کاربردی متن سروکار داریم. در این روش محقق تحلیلگر می‌کوشد یک گفتار یا گفتمان را با کاربرد اجتماعی و مضمون معنایی‌اش تعبیر و تفسیر کند. در واقع تحلیل گفتمان روشی است در جهت توصیف، تفسیر و تحلیل غیر کمی و کیفی یک کلام، متن و یا گفتمان و تعیین جایگاهی که آن کلام، متن و یا گفتمان به آن جایگاه تعلق دارد و نیز فهم کارکردی که متن، یا کلام و یا گفتمان در جامعه داراست. فرکلاف در تعریف خود از روش تحلیل گفتمان متذکر می‌شود که در این روش تحلیل‌گر با برداشتن بخشی از متن یا کلام یا گفته‌ای، مقطعی از اجتماع را برای تحلیل و تفسیر خود برمی‌گزیند و می‌کوشد ارتباط

1. Pounds. G

2. David Machin and Andrew Mayr

3. Mikhail Mikhailovich bakhtin



## تحلیل گفتمان انتقادی داستان پرواز به سوی سیاره آزادی

### سطح توصیف

سطح توصیف شامل تحلیل زبانی در چارچوب واژگان، دستور و ساخت‌های معنایی در سطح فراتر از جمله می‌شود. بسیاری از نویسندگان ژانر تخیلی، ممکن است داستان‌شان را با یک صحنه دراماتیک شروع کنند؛ اما حکیمی این داستان را با معرفی شخصیت‌های اصلی داستان از جمله قهرمان و راوی شروع می‌کند تا در همین آغاز داستان، خوانندگان را متوجه شخصیت‌ها کند. او آنها را با نام و سطح سواد و وظیفه‌ای که در این سفر دارند معرفی می‌کند تا از این رهگذر آنها را در ذهن خواننده خود بنشانند و معناداری رفتار و کنششان را نشان دهد و از این طریق علاقه خوانندگان را به شخصیت‌ها و به‌طورکلی داستان جلب کند. «دکتر هاینریش باخ-زیست‌شناس برجسته... دکتر ادوارد داویس که هدفش بررسی تشعشعات اتم هیدروژن بر محیط بود... پروفیسور چنینگ گیاه‌شناس معروف... در اینجا لازم می‌آید که خودم را نیز معرفی کنم. نام من عبدالمجید سلمان و عضو گروه علمی سفینه، وظیفه من کنترل دستگاه‌های الکترونی و مخابرات سفینه...» (پرواز به سوی سیاره آزادی، ص ۱۰).

در این داستان بر روی شخصیت‌ها بیشتر از سایر عناصر تکیه شده است. نویسنده خواننده را با تقابل یک شخصیت اصلی با چند شخصیت فرعی، مواجه کرده و اساس و تکیه‌گاه داستان را بر آنها گذاشته است. در واقع تردیدها و کشمکش‌های آدم‌های داستان نقطه اتکای داستان است نه رویدادها و حوادث داستانی به‌عبارت‌دیگر گفتار، افکار، عکس‌العمل، برخوردها و ذهنیت شخصیت‌ها، داستان را پیش می‌برند. نویسنده با بهره‌گیری از توصیف حالات شخصیت‌ها، خواننده را با فضای داستان و ماجراهای مربوط به آن آشنا می‌کند. در داستان شاهد تحولی در شخصیت، افکار و عقاید قهرمان داستان در پایان داستان نیستیم و به عبارتی قهرمان پایان داستان همان قهرمان آغاز داستان است و قرار نیست که از این تجربه چیزی به معرفت وی افزوده گردد. به نظر می‌رسد این‌گونه روایت دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده را نشان می‌دهد؛ چنان‌که هانا آرنت می‌گوید: «تفکر ایدئولوژیک خود را از هرگونه تجربه‌ای، مستقل می‌داند، زیرا لازم نمی‌بیند که از هر پدیده تازه‌ای چیزی بیاموزد» (بشler، ۱۳۹۵، ص ۹).

مهتاب با پنجاه کارمند و تکنسین و ده دانشمند از رشته‌های مختلف علوم که از جزیره‌رهای به‌سوی سیاره آزادی پرواز می‌کند. راوی داستان که شخصیت اصلی داستان نیز هست، عبدالمجید سلمان نام دارد که عهده‌دار کنترل دستگاه‌های الکترونیکی و مخابراتی است. پس از گذشت هفتاد ساعت از پرواز سفینه، عبدالمجید پیامی رمزی از سیاره‌ای بنام پدینگ دریافت می‌کند. پیام حاوی تقاضای کمک از ساکنین زمین برای نجات اجتماع ده‌میلیونی آنها از هلاکت است. ساکنین این سیاره اگرچه از نظر صنعت و تکنیک دو هزار سال از ساکنین زمین جلوترند اما این پیشرفت‌ها نتوانسته است سعادت و خوشبختی را برای آنها به ارمغان بیاورد. آنها از ساکنین زمین می‌خواهند که یک مجموعه قوانین برایشان بفرستند. دانشمندان سفینه پس از بحث و جدل‌های زیاد اعلامیه حقوق بشر و انجیل و قرآن را که عبدالمجید پیشنهاد کرده بود برای آنها می‌فرستند و از آنها می‌خواهند پاسخ این پیام را بدهند. پس از گذشت پانصد ساعت، جواب پیام را می‌دهند و قرآن را به‌عنوان مجموعه «قانون زندگی» برای خود مناسب می‌بینند و از ارسال آن تشکر می‌کنند. پس از این ماجرا همه دانشمندان تحت تأثیر پیام قرار می‌گیرند و به عبدالمجید مدال افتخار می‌دهند و به او اجازه می‌دهند تا هر تقاضایی که می‌خواهد از آنها داشته باشد. عبدالمجید تقاضا می‌کند پرچم سبزی را بر بلندترین قلعه سیاره آزادی برافرازند که روی آن جمله «لا اله الا الله» نقش بسته باشد. همه با تقاضای عبدالمجید موافقت می‌کنند. پنجاه ساعت قبل از فرود آمدن سفینه به سیاره دکتر چانک‌یا به‌رسم سفرهای فضایی از عبدالمجید می‌خواهد تا یک سخنرانی علمی انجام دهد. او با خوشحالی می‌پذیرد و عنوان سخنرانی خود را «روزنه‌ای به جهان علوم قرآن» اعلام می‌کند. در سخنرانی خود با استناد به آیات مختلف قرآن به جنبه‌ها و حقایق علمی قرآن اشاره می‌کند و بیان می‌کند که تنها راه سعادت و نجات انسان‌ها در پاره کردن زنجیرهای بردگی و بندگی غیر خدا است که در شعار «لا اله الا الله» جلوه‌گر است. پس از ایراد سخنرانی سفینه آرام بر سیاره آزادی فرود می‌آید. پرچم «لا اله الا الله» بر بلندترین قله سیاره افراشته می‌شود.

داستان پرواز به سوی آزادی در مرحله توصیف متن، نشان‌دهنده گفتمانی تقابلی است، این تقابل در دیالوگ‌های بین شخصیت‌ها به خوبی نمایان است و صحبت‌های هر شخص موضع ایدئولوژیک او را نشان می‌دهد.

«سرنشینان سفینه مهتاب توجه کنند این پیام از سیاره پدینگ به شما می‌رسد... ما از شما تقاضای کمک می‌کنیم... دکتر ایساکو... گفت: بله حتماً باید متن چند قانون اجتماعی را برای آنها مخابره کنیم... من معتقدم که قانون اساسی کشور ما ژاپن، بهترین و کامل‌ترین قانون برای اداره یک جامعه است... دکتر جنینگ... گفت: بگذارید از قانون اساسی صرف‌نظر کنیم من عقیده دارم که انجیل باید به‌عنوان قانون برای آنها ارسال شود... دکتر روبینسون گفت: گفتم انجیل؟ یعنی کتابی که زورمندان را بر ضعیفان مسلط می‌سازد. نه من با این پیشنهاد موافق نیستم... [عبدالمجید]: پیشنهاد می‌کنم که قرآن را به‌عنوان یک قانون کامل برای آنها مخابره شود. دکتر روبینسون... گفت: من اصولاً با مخابره هر نوع کتاب مذهبی مخالفم... [عبدالمجید]: حرفش را قطع کردم گفتم: شما تابه‌حال قرآن خوانده‌ای؟ فوراً پاسخ داد: نه آقای عبدالمجید! قرآن نخوانده‌ام تعلیمات مذاهب همه از یک ریشه‌اند» (پرواز به سوی سیاره آزادی، ص ۱۲-۱۳-۱۵-۱۶-۱۸).

از جمله مواردی که در سطح واژگان، ایدئولوژی نویسنده را در داستان نشان می‌دهد کاربرد واژه هلاکت است. در پیام رسیده از سیاره پدینگ آمده است که؛ «ما از شما ساکنین زمین تقاضای کمک می‌کنیم، کمکی که بتواند اجتماع ما را از هلاکت نجات دهد» (ص ۱۳). این واژه دارای بار معنایی منفی است و وصف مرگ انسان‌هایی است که مرتکب گناه شده و از تزکیه نفس به دورند. همچنین به‌پیزودی از داستان‌های قرآنی-قوم عاد و ثمود که از نظر تمدن تا حدود زیادی پیشرفته بودند، شهرهای آباد، زمین‌های خرم و سرسبز، باغ‌های پرطراوت داشتند، اشاره دارد. این نگاه ایدئولوژیک نویسنده است که آنچه موجب سعادت انسان است و او را از پلیدی‌ها و بی‌اخلاقی‌ها دور می‌سازد زندگی در سایه تعالیم دین است؛ و هلاک شدن سرنوشت محتوم تمام اقوامی است که از تعالیم دین بی‌بهره‌اند؛ لذا سرنوشتی جز هلاک شدن برای آنها متصور نخواهد بود.

نویسنده علاوه بر معرفی شخصیت‌های داستان، زبان داستان را نیز در تأیید موقعیت و طبقه اجتماعی آنها منطبق می‌سازد؛ یعنی زبان متأثر از طبقه اجتماعی افراد است. زبان داستان و روایت زبان رسمی است؛ زیرا شخصیت‌های داستان افرادی هستند تحصیل کرده و متخصص و از طبقه نخبه و بالای جامعه خود محسوب می‌شوند. نویسنده قصد دارد این موضوع را در داستان به مخاطب خود نشان دهد؛ چراکه «مهم‌ترین عاملی که شخصیت‌های داستان را در نظر خواننده واقعی جلوه می‌دهد، سازگاری صحبت‌های آنها با ویژگی‌های شخصیتی آنهاست.» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۴۶۵). واژه‌ها و جملات افراد طبقات بالای جامعه، سنجیده‌تر و زبان آنان رسمی‌تر است؛ «در رفتار زبانی طبقات بالا در یک جامعه زبانی، ویژگی‌ها و الگوهایی که اعتبار اجتماعی بیشتری دارند به نسبت بیشتری به کار گرفته می‌شوند درحالی‌که ویژگی‌ها و الگوهای زبانی غیرمعتبر یا کم‌ارزش، در رفتار زبانی طبقات پایین‌تر جامعه قابل مشاهده‌تر است» (میرصادقی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۰). به‌طور طبیعی ما از نوع کاربرد واژگان و اصطلاحات افراد تا حدودی می‌توانیم به سطح سواد و تحصیلات و شغل افراد پی ببریم. نویسنده بین تیپ شخصیتی افراد و زبان آنها تناسب و همسانی ایجاد می‌کند تا از این رهگذر شخصیت‌ها و مضمون داستان را واقعی جلوه دهد و بر حقیقت‌مندی داستان بیافزاید. رسمیت زبان به دلیل شخصیت علمی و سطح سواد بالای افرادی است که در این داستان حضور دارند. در آغاز داستان نیز با همین زبان رسمی به توصیف شخصیت‌ها می‌پردازد و هم‌خوانی آن با ویژگی‌های شخصیتی، داستان را گسترش می‌دهد. «افراد وابسته به یک طبقه اجتماعی که ویژگی‌های اجتماعی-اقتصادی مشابهی دارند، از نظر رفتار زبانی نیز تشابه بیشتر به یکدیگر نشان می‌دهند» (مدرسی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۸). داستان از لحنی گفت‌وگویی برخوردار است درواقع خواننده با استفاده از گفت‌وگویی دیالکتیک و معناداری که در جریان داستان محقق شده، می‌تواند درون مایه داستان را روشن تر درک کند. در این داستان به دلیل لحن مناظره‌ای وجه پرستی بسامد بالایی دارد که لحن پرش‌کننده محکم ولی توأم با احترام است؛ و لحن پاسخ‌دهنده نیز همواره آرام و متین و توأم با

معتقدم... برای من مثل روز روشن است، دکتر چانگ‌یا: من مسئولیت عوارض بعدی...» (ص ۱۵-۱۸-۲۴-۲۶-۳۶).

از عناوین دیگری که نویسنده به اقتضای شأن و مقام دانشمندان به کار می‌برد و می‌توان به آن اشاره کرد استفاده از لفظ «آقا» برای خطاب قرار دادن همدیگر و استفاده از الفاظ؛ دوستان، دوستان عزیز، دوستان من، رفقا در خطاب دانشمندان به همه اعضا است. این‌گونه خطاب قرار دادن در بررسی رابطه قدرت در این داستان نشان از همسنگ بودن آنها در قدرت است. این قدرت و اقتدار ناشی از قدرت علمی و صاحب‌نظر بودن آنها در مسائل مطرح شده است.

#### سطح تفسیر

در تفسیر متن، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه‌ای) مفسر به کار بسته می‌شود. تحلیل‌گر باید بر مبنای دانش زمینه‌ای خود، ویژگی‌های صوری متن را معنا و تفسیر کند (کریمی فیروزجاهی، ۱۳۹۶، ص ۶۷). در داستان پرواز به سوی سیاره آزادی در سطح تفسیر باید گفت این داستان آمیزه‌ای است از عقاید مذهبی و باورهای ایدئولوژیک و به‌نوعی نمایانگر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه است که نویسنده در تلاش است تا در جای‌جای داستان مخاطب را به آن توجه دهد. در این داستان با چند گفتمان مواجه می‌شویم یکی گفتمان اسلام‌گرا که گفتمان غالب داستان است و نماینده آن مهندس عبدالمجید است، دیگری گفتمان مسیحیت (در اشکال کلاسیک متعصب و پروتستان‌تیسیم) که نماینده آن پروفیسور جنینگ است و گفتمان سکولار که نماینده آن دکتر روبینسون و دکتر ادوارد داویس است و گفتمان ملی‌گرایی که در دیالوگ‌های دکتر ایساکوی ژاپنی به ظهور می‌رسد؛ که اساساً به‌عنوان گفتمان ادیان خاور دور هم مطرح هستند.

فعالیت و ماجرایی اصلی در این رویداد اهتمام عبدالمجید به این امر را نشان می‌دهد که اسلام تنها دینی است که سعادت بشر را تضمین می‌کند و قرآن بهترین قانون مدون برای زندگی انسان است. «عبدالمجید... به فکر رسید که پیشنهاد کنم متن کاملی از قرآن مجید را برای سیاره مزبور ارسال شود تا به‌عنوان یک

خرد است که این سبک نگارش می‌تواند در راستای بن‌مایه داستان که آگاهی بخشی و رهایی است در تناسب باشد.

«دکتر هاینریش باخ گفت: رفقا شنیدن این پیام آن هم از سیاره پدینگ برای من تعجب آورده، فکر نمی‌کنید آنها با ما شوخی کرده باشند؟ روبینسون گفت: شوخی؟ چنین چیزی تقریباً غیرممکن است. دکتر باخ گفت: پس شما اطلاع ندارید. دکتر ایساکو... گفت: من معتقدم که قانون اساسی کشور ژاپن بهترین و کامل‌ترین قانون برای یک اجتماع است. این‌طور نیست دوستان عزیز؟» (پرواز به سوی سیاره آزادی، ص ۱۴-۱۵). این شیوه ارتباط، مکمل ویژگی‌های شخصیتی افراد داستان است که از قشر نخبه و دانشگاهی جامعه خود هستند.

جمله‌های داستان از نوع معلوم است؛ داستان از زاویه دید دانای کل به نگارش درآمده - اما از نگاه شخصیت اصلی داستان تشریح می‌گردد - چون نمی‌خواهد چیزی مجهول بماند. کردار و رفتار شخصیت‌ها به روشنی گویای افکار و عقاید آنهاست و خواننده از لابه‌لای گفت‌وگوهایی که بین افراد ردوبدل می‌شود، به راحتی به مکنونات و تیپ شخصیتی آنها پی می‌برد.

در سطح کاربرد ضمیر در این متن ضمیر شما کارکردی گفتمانی دارد زیرا ضمیر شما همه‌جا برای مخاطب مفرد استفاده شده است؛ عبدالمجید خطاب به دکتر روبینسون می‌گوید: «شما تا به حال قرآن خوانده‌اید؟ دکتر جنینگ خطاب به فرمانده چانگ‌یا: به نظر شما هیچ راهی برای نجات سفینه از این خطر بزرگ وجود دارد. عبدالمجید خطاب به دکتر روبینسون: ... از پیش‌دآوری ذهنی شما سخت حیرت می‌کنم، شما که خود اعتراف می‌کنید...» (ص ۱۸-۱۹-۳۴). ضمیر شما در این کاربرد به معنای ادای احترام و رسمی بودن گفت‌وگو است. کاربرد ضمیر «من» - بیش از شصت بار - نیز با اهداف گفتمانی سازگار است. همه دانشمندان سفینه در طول داستان هنگام بیان نظرات خود از ضمیر من استفاده می‌کنند. استفاده گسترده از ضمیر «من» در این کاربرد به اقتدار و جایگاه بالای آنها در نظام اجتماعی و استقلال فکری آنها دلالت می‌کند برای نمونه؛ «دکتر ایساکو: من معتقدم... دکتر روبینسون: من اصولاً...، عبدالمجید: من پیشنهاد می‌کنم، دکتر جنینگ: من عقیده دارم...، دکتر داویس: من



کنیم. من عقیده دارم که انجیل باید به عنوان قانون برای آنها ارسال شود... انجیل پیوسته از مردم می خواهد که آدمیان به یکدیگر محبت کنند» (ص ۱۶). عقیده جنینگ گفتمان سنتی کلیسای کاتولیک است که نجات انسان را منحصر در ایمان به مسیح و در انحصار کلیسای کاتولیک می داند و خارج از سازمان کلیسای کاتولیک به هیچ وجه نجات و رستگاری ممکن نیست بر اساس این نگرش فرقه های مختلف مسیحی تنها راه نجات و رستگاری را مسیحیت می دانند با این تفاوت که پروتستان ها بر این باورند که انسان با ایمان خود شخصاً باید به ندای عیسی (علیه السلام) پاسخ دهد و ایمان به تنهایی برای نجات کافی است ولی کاتولیک ها بر آیین و شعائر کلیسا تأکید دارند. طبق تعالیم فرقه کاتولیک، پابندی به صحت بی نظیر مسیحیت تلویحاً این مفهوم را بیان می کند که همه عناصر ادیان غیر مسیحی نادرست است؛ در نتیجه نمی تواند سبب نجات پیروانشان شود (کربلایی پازوکی، ۱۳۸۵، ص ۵۳).

«دکتر روپینسون با صدای بلند خندید و گفت: «گفتی انجیل؟ یعنی کتابی که زورمندان را بر ضعیفان مسلط می سازد. نه من با این پیشنهاد موافق نیستم... بله خوب میدانم و همین محبت است که موجب قدرت یافتن ستمکاران می شود. در جوامعی که قدرت در دست عناصر پلید و فریبکار است و عده ای معدود همه چیز اکثریت را به چپاول می برند، سخن گفتن از محبت و گذشت داروهای تخدیری است برای ضعیفان و محرومانی که حقوقشان پایمال شده است و همه چیزشان به غارت رفته است... در جامعه ای که لازم است محرومان از خشم و کینه نسبت به ربایندگان حقوق خویش پُر شوند و به پیکار برخیزند، فریاد محبت کنید! محبت کنید! چیزی جز همکاری با غارتگران نیست... قرآن نخوانده ام اما می دانم تعلیمات مذاهب همه از یک ریشه اند. گذشت و فداکاری، محبت، سکوت در مقابل زور و ستم و حرف هایی نظیر اینها و خلاصه چیزهایی که در جامعه طبقاتی، استثمار و بردگی را توجیه می کند. برای یک عده زورگوی ستمکار چه چیزی بهتر از اینکه یک قانون آسمانی بیاید و قدرت دفاع و مقابله و مبارزه را از محرومان بگیرد و آنها بدون کوچک ترین مقاومتی همچون گوسفندان سکوت کنند و به اصطلاح به قضا و قدر الهی راضی باشند» (ص ۱۹-۱۷-۱۸-۱۹). نظر

«قانون کامل» برای زندگی، مورد استفاده ساکنین سیاره قرار گیرد» (ص ۱۶). در مقابل این عقیده، ده دانشمند از کشورهای مختلف با عقاید و ادیان توحیدی و غیر توحیدی حضور دارند که گفت و گوهای بین آنها داستان را شکل داده است. نویسنده این تقابل را در دو مقطع از داستان منعکس می کند؛ یکی در آغاز داستان به هنگام مناقشه بر سر نوع قانونی که باید به سیاره پدینگ ارسال شود و دیگری به هنگام نصب پرچم بر روی سیاره آزادی در پایان داستان. «ما ساکنین سیاره پدینگ... از شما خواهش داریم یک مجموعه قوانین برای ما بفرستید» (ص ۱۲-۱۳).

«دکتر ایساکو: من معتقدم قانون اساسی کشور ما ژاپن بهترین و کامل ترین قانون برای اداره یک اجتماع است» (ص ۱۵-۶۱). این طرز بیان حاکی از گفتمان ملی گرایانه است که با کاربرد صفات تفضیلی برای ترجیح دیدگاه خود نسبت به دیگری استفاده می کند و از برتری فرهنگ خویش دفاع می کند. گفتمان ایدئولوژیک برای تأکید بر حقیقی بودن نگرگاه خودی و تحقیر ارزش های رقیب از عناصر نحوی شدت بخش بسیار سود می برند. «یکی از این عناصر شدت بخش کاربرد صفت های تفضیلی و عالی برای ترجیح نظرگاه خودی بر غیر خودی است» (فتوحی، ۱۳۹۸، ص ۳۵۹). اکثر قریب به اتفاق ژاپنی ها خود را شینتویی می دانند تا مذهبی، این آیین فاقد کتاب آسمانی و پیامبر است و بیشتر به مجموعه آداب، رسوم و سنن باستانی یک قوم و ملت می ماند تا یک دین آسمانی... بدین معنا که از نظر آنان شینتویی بیشتر یک سنت آبا و اجدادی است تا یک آیین زنده مبتنی بر فقه و شریعت و تکالیف دینی. در قرون و اعصار اخیر مقامات و مسئولان ژاپنی از شینتو، به عنوان ابزار تقویت افکار و ارزش های ناسیونالیستی استفاده کرده اند. اساس دین شینتویی مجموعه ای از اساطیر اولین است که به مرور زمان، جنبه قداست پیدا کرده و بعداً در دو روایت تاریخی «کوجیکی» و «نیهون گی» جمع آوری شده است (گواهی، ۱۳۸۷، ص ۱۳-۱۴). بر این اساس می توان گفت که دین در این معنا مترادف با ایدئولوژی ناسیونالیسم است. پس این چنین پیشنهادی از سوی این دانشمند ژاپنی متأثر از ایدئولوژی ناسیونالیسم حاکم بر جامعه ژاپن است. «دکتر جنینگ گفت: بگذارید از قوانین کشورها صرف نظر

می‌گردد، در تقسیم‌بندی معروف خود، تاریخ تحول ذهنی و فکری بشر را به سه دوره تقسیم می‌کند: دوره اول را دوره دین و باورهای دینی می‌نامد و معتقد است که بشر در دوران اولیه تکامل ذهنی به دین نیاز داشته است. مرحله دوم مرحله عقل است که منجر به شکل‌گیری فلسفه در تاریخ تفکر بشر شده است یعنی دوره‌ای که عقل کارکرد داشته است و دوره سوم یعنی عصر جدید را عصر علم یا دانش تجربی معرفی می‌کند به اعتقاد او در این دوره آنچه که توضیح‌دهنده مناسبات انسانی است قواعد و قوانین علمی است و عصر دین پایان‌یافته است (قائمی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۸۵).

اما گفتمان غالب که داستان درصدد برجسته‌سازی آن است و در تقابل با گفتمان‌های دیگر صورت‌بندی شده، گفتمان اسلام شیعی است که در زبان قهرمان داستان حضور دارد. قهرمان داستان در دفاع از موضع خود مبنی بر ارسال قرآن به‌عنوان قانون جامع برای ساکنان سیاره پدینگ با زبان قرآن و نقل آیاتی از قرآن پاسخ می‌دهد و حقانیت کلام خود را با حقانیت کلام‌الله مجید گره می‌زند؛ درواقع مبنای استدلال او زبان فصیح قرآن است. قرآنی که یکی از اعجازهایش، فصاحت و بلاغت آن است. از طرف دیگر این طرز بیان تداعی‌کننده‌ی فراخواندن مخالفان به تحدی توسط قرآن برای اثبات حقانیت خود است. آیاتی که در داستان نقل می‌شود در دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ آیاتی که اصول کلی زندگی اجتماعی انسان را ترسیم می‌کند و در مقایسه با سایر قوانین بشری و آیین مسیحیت جامع‌تر است. «عبدالمجید گفت: مواد اعلامیه حقوق بشر فقط چند قانون کلی دربر دارد. اعلامیه حقوق بشر در مقایسه با حقوق وسیع و عمیق قرآن سخت ناتوان است» (ص ۲۱). این آیات متضمن برقراری قسط، عدالت اجتماعی و مبارزه با ظلم و گرفتن حق مظلوم از ظالم است؛<sup>۱</sup> و دسته دیگر آیاتی است که بر اسرار آفرینش و نیز برخی مطالب موافق با اکتشافات علمی روز که سده‌ها پیش از آن خبر داده شده بود دلالت دارد.<sup>۲</sup> نویسنده این نقل‌ها را با ارجاع در متن آورده است. می‌توان گفت به نظر نویسنده آیات قرآن و انجیل در فضای فکری و فرهنگی جامعه زیاد شناخته شده نبوده و به همین سبب منبع آن را نیز ذکر کرده است آیات نقل شده، آن قسمت را نقل

دکتر رویینسون از مجرای یک گفتمان چپ مارکسیست نه‌تنها به نفی مسیحیت بلکه به نفی کارکرد دین در سامان بخشی اجتماعی می‌پردازد. «من اصولاً با مخابره هر نوع کتاب مذهبی مخالفم» (ص ۱۸). تا آنجا که دین و مذهب نه‌تنها در دفع ظلم و ستم کارساز نبوده بلکه حتی مانعی بر سر راه عدالت و مبارزه با استبداد است و چون مواد مخدر توده مردم را از مبارزه مایوس و بازمی‌دارد؛ این ادعای مارکس بود که مذهب حاکم، منافع طبقه حاکم را مشروعیت می‌بخشد و مانند مواد مخدر طبقه ستم‌دیده را به قبول سرنوشت خود وامی‌دارد (هیوز، ۱۳۹۶، ص ۳۸۸). در این گفتمان دین ابزاری در دست زورمندان برای تحمیل عقاید خود به ستم‌دیدگان است؛ و روی آوردن به دین در جهت توجیه وضعیت موجود و دم برنیارودن در مقابله با ناملایمات و تسکین دردهاست.

«دکتر داوینس گفت: راستی دوستان عزیز آیا بهتر نمی‌دانید که به‌جای ارسال و مخابره یک کتاب بزرگ نظیر قرآن و یا انجیل، متن اعلامیه جهانی حقوق بشر را که هم مختصر است و هم جامع تمام حقوق بشری، به سیاره مخابره شود... من معتقدم که قبل از هر چیزی، ماده اول اعلامیه حقوق بشر مخابره شود... برای من مثل روز روشن است که هوشمندان سیاره، ماده اول اعلامیه حقوق بشر را به‌عنوان قانون خواهند پذیرفت...» (ص ۲۱-۲۴-۲۹).

این بار تخطئه دین در گفتمان سکولار خود را نمایان می‌کند. داوینس علم و دانش بشری را در جایگاه بالاتری از دین و در اولویت قرار می‌دهد و به همین جهت اعلامیه حقوق بشر را پیشنهاد می‌کند. «زبان حقوق بشر، زبانی جدید است و اساساً ریشه در آزادی‌خواهی سکولاری دارد که به حقوق شهروندان توجه داشته و آنان را حمایت می‌کند؛ اما خواستار جدایی مذهب از قلمرو عمومی است تا بدین طریق پیشرفت سیاست مستقل از مذهب را امکان‌پذیر سازد» (ساشادینا، ۱۳۸۶، ص ۱۱۴). خواستگاه این گفتمان (سکولار) را می‌توان فلسفه عصر مدرن (فلسفه پوزیتیویسم) دانست که با بسط دانش جدید، بی‌نیازی به دین و باورهای دینی را توجیه می‌کند. آگوست کنت پدر علم جامعه‌شناسی که مفهوم اثبات‌گرایی به روش تحقیقی او اطلاق

۱. حدید: ۲۵

۲. نازعات: ۳۱

عمومی مرتبط با داستانش را ارائه دهد. «... خاطرات آن مرد بزرگ را بیاد آوردم که برای نجات جوامع مسلمین فریاد (بازگشت به سوی قرآن مجید) را برآورد و آن چنان بر این طرح نجات بخش تأکید کرد که ناگهان جوانان که سال‌ها در چنگال فریبکاری و دسایس غرب اسیر شده بودند، از خواب گران بیدار شدند» (ص ۳۰). آرمان سید جمال بازگشت سروری مسلمان در عالم است که راه آن را در رجعت به اسلام واقعی و داشتن آگاهی و مجهز شدن به دانش جدید می‌داند: «... توده را به سوی آگاهی و شعور و دانش ببرید که هیچ سمی خطرناک‌تر از جهل نیست... پول‌هایتان را در کارهای بیهوده به کار نبرید برای توده‌ها مدرسه و دانشگاه اسلامی بسازید، زیرا تا به دانش و تکنیک زمان خویش آشنا نشوید، همچنان زیر دست خواهید بود و بی‌رحمانه غارت می‌شوید» (ص ۳۱). به اعتقاد ژرارد ژنت<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) این فاصله‌گذاری بین نقل و داستان به روایتگر کمک می‌کند که اطلاعات ارائه شده در روایت را ارزیابی کند، همان‌طور که دقت آنچه که از یک تصویر می‌بینم بستگی به فاصله‌ای دارد که آن را از من جدا می‌کند (گیلمت، ۱۳۸۶). در واقع این متن که توسط راوی نقل می‌شود، روایت‌کننده اندیشه و ایدئولوژی نویسنده است. در سراسر داستان، حکیمی سعی دارد مخاطب را درگیر عقاید دینی اسلام شیعی کند. این داستان در یک جامعه انسانی متشکل از افراد تحصیل کرده و نخبه است که خصلت‌های مثبت و منفی ممکن آن جامعه چون؛ احترام متقابل، منطقی بودن، استدلال و مشورت بر آن حکم فرماست. نویسنده با ایجاد یک هارمونی فکری و اقامه دلایل منطقی و بیان شواهدی تاریخی در سخن قهرمان، حقانیت و کفایت اسلام شیعه را برای اداره جامعه در داستان بازآفرینی کرده است.

#### سطح تبیین

در بررسی گفتمان به‌عنوان کنش اجتماعی و تأثیر ساختارهای اجتماعی بر گفتمان (تبیین) باید گفت؛ داستانی که سعی دارد در گفتمان غالب، مصائب و ناهنجاری‌های جامعه را به تصویر بکشد، به دلیل اختناق و سرکوب همه صداهای مخالف و همچنین سانسور حاکم بر این دوره، نویسنده را به خلق اثری در

می‌کنند که با چارچوب فکری گفتمان سازگارتر باشد، از طرفی این شیوه بیان و گفتار را می‌توان در راستای جان‌مایه داستان که آگاهی بخشی و رهایی است، تلقی نمود. بر همین اساس است که او علت بسیاری از این بدفهمی‌ها نسبت به تفکر دینی را ناشی از عدم آشنایی و شناخت درست می‌داند.

«عبدالمجید: من پیشنهاد می‌کنم که قرآن به‌عنوان یک قانون کامل برای آنها مخابره شود... آقای روبینسون از پیش‌داوری ذهنی شما سخت حیرت می‌کنم. شما که خود اعتراف می‌کنید قرآن را حتی یک‌بار نخوانده‌اید، چگونه بدین‌گونه، تعالیم آن را محکوم می‌کنید... برخلاف نظر شما، قرآن کریم نه تنها از طبقه محروم و گرسنه می‌خواهد که برای گرفتن حق خویش دفاع کنند بلکه حتی همه مردم را به گرفتن حق خویش دعوت می‌کند» (ص ۱۸-۱۹). به اعتقاد حکیمی آشنایی سطحی و عدم فهم عمیق معارف دینی برخی از دانشمندان، علی‌رغم برخورداری از دانش علمی بالا، سبب پیش‌داوری ذهنی و قضاوت ناصواب آنها در مورد همه ادیان به‌طور یکسان شده و اسلام را چون ادیان تحریف‌شده دیگر در پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی بشر ناتوان تلقی نمایند. از این‌رو او این دسته از دانشمندان را روشنفکر واقعی نمی‌داند. «... متأسفانه اغلب اظهارنظرهای روشنفکرانمایان بدین‌گونه است» (ص ۲۵). در واقع در این تفسیر، دانشمند کسی است که دارای تخصص و دانش است و روشنفکر توأماً دارای دانش همراه با بصیرت و بینش دینی نیز هست.

از جنبه بینامتنیت علاوه بر آیات پیش‌گفته که به‌طور اخص گفتمان شیعی در داستان را روشن‌تر نشان می‌دهد؛ نقل قول از نهج البلاغه است؛ «بنده دیگری مباش زیرا خدا ترا آزاد آفریده- مؤمنان با هم برادرند، پس میان آنها سازش دهید» (ص ۲۵) و همچنین نقل روایتی از پیامبر اکرم است که بر جنبه ایدئولوژی داستان و تأیید گفتمان غالب می‌افزاید و حقانیت کلام و عقیده نویسنده را نشان می‌دهد. «در هر جامعه‌ای اگر یک فرد گرسنه و بینوا بوده باشد و نتواند بنفسه گرسنگی و بینوایی خود را برطرف نماید، تمام افراد و گروه‌های آن اجتماع مسئول خواهند بود» (پرواز به سوی سیاه آزادی، ص ۲۰). علاوه بر این راوی در فرصتی داستانش را قطع می‌کند و به نهضت سیدجمال‌الدین اسدآبادی اشاره می‌کند تا توضیحات و تفاسیر آموزنده یا خرد

1. Gérard Genette

داستان بازنمایی کرد. داستان پرواز به سوی سیاره آزادی محمود حکیمی، چارچوب و اساس روابط سازنده و شایسته بین المللی را از نگاه اسلام شیعی به نمایش می‌گذارد. استدلال‌ها و مناظرات عقیدتی قهرمان داستان با دانشمندان و نمایندگان ایدئولوژی‌های هم‌عصر خود چنان است که اعترافات آنها را در پی دارد و زبان گویای اسلام را در مقابله با دشمنان اعتقادی و ایدئولوژی را نشان می‌دهد. حکیمی در این داستان مشی اسلام واقعی را در تقابل با افراط و تفریط گروه‌های گوناگون ایدئولوژیک، علمی و مذهبی ترسیم کرده و در این راه همواره بر بهره‌گیری اصولی از آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام تأکید نموده است. ذکر تعداد زیادی از آیات قرآن مجید و فراهایی از نهج البلاغه، مؤید این امر است و اهمیت توجه به نظام معنایی توحیدی را در تعاملات فرهنگی و پرهیز از افراط و تفریط اعتقادی نشان می‌دهد.

#### عناصر تربیتی در داستان پرواز به سوی سیاره آزادی محمود حکیمی

رویکرد حکیمی نسبت به دین منبعث از نگرش و تحلیل تربیتی او است، به طوری که علت بحران‌ها و مشکلات جوامع در طول تاریخ تا به حال را بی‌توجهی انسان به تعالیم و ارزش‌های دینی می‌داند. به اعتقاد او اسلام، دارای نظامی فراگیر و جامع است به نحوی که هر شخصی در هر سطحی از دانش و تخصص نیازمند آشنایی با اسلام است. در داستان پرواز به سوی آزادی، سرنشین‌های سفینه فضایی را افرادی متخصص و دانشمندان علوم مختلف تشکیل می‌دهد، اما یا دارای تفکر سکولار هستند و یا اساساً معتقد به ادیان تحریف‌شده چون مسیحیت هستند؛ و ساکنان سیاره پدینگ نیز جامعه‌ای مدرن و پیشرفته هستند؛ لیکن فاقد هر نوع شریعت و دین هستند. لذا پاسخ صحیحی برای مشکلات مبتلا به جامعه ندارند؛ اما اسلام در رفع مشکلات آنان، زبانی گویا و قوانینی جامع دارد.

«ساکنان سیاره پدینگ: هوشمندان ما قوانین ارسالی شما را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند... قانون دوم (فرازی از نهج البلاغه) فاقد هرگونه نقضی است؛ لذا ما تصمیم گرفتیم که قانون دوم را بپذیریم...» (ص ۲۷).... «دوستان ما! دانشمندان سفینه مهتاب! ... قوانین ارسالی شما مورد بررسی دقیق ما قرا

ژانر علمی تخیلی سوق داده و نتوانسته داستانی با فضای واقعی و بومی و در مکانی آشنا بنویسد. شخصیت‌های داستان‌های او نیز کمتر از جامعه ایران انتخاب شده‌اند. ماجرای این داستان مربوط به اواخر دهه چهل و آغاز دهه پنجاه است که ایران تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ غرب و درگیری‌های ایدئولوژیک قرار داشت و عالمان دینی را چنان نگران کرده بود که از هر کسی با اندک مایه قلمی می‌خواستند برای کودکان و نوجوانان خواندنی‌های مناسب فراهم کند (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ج ۹، ص ۶۱۱). در تولید متن این داستان همچنین عواملی چون حضور نویسندگانی که آثاری را از دیدگاه ایدئولوژی‌های چپ و ناسیونالیسم باستان‌گرا می‌نوشتند، تأثیرگذار بوده است علاوه بر این داستان به نوعی نقد علم‌گرایی تمدن مدرن است، تمدنی که بعد از اتفاقات سال ۱۳۳۲ به غربی شدن ایران و نفوذ بی‌پروای ایالات متحده امریکا و رواج فرهنگ ناسازگار با فرهنگ دینی مردم دامن زد (محمدی و قایینی، ۱۳۹۴، ص ۶۱۱). فرایند مدرنیزاسیون اقتصادی که تغییرات فرهنگی و نظام ارزشی را هم به دنبال خواهد داشت و باعث مشغول کردن انسان‌ها به مادی‌گرایی، پول‌پرستی، مصرف‌گرایی، دروغ و ریا و فساد است و انسان را از سعادت واقعی و آزادی حقیقی محروم کرده است. در واقع ره‌آورد تکنولوژی و خردگرایی مدرن شکست باورهای اخلاقی است. همان‌طور که امیل دورکهایم مدرنیته را فرایند ناسوتی شدن لاهوتی‌ها نامید و نیچه در این عصر مرگ خدا را اعلام کرد.

«البته ما از نظر صنعت و تکنیک دو هزار سال از شما جلوتریم اما این پیشرفت‌ها نتوانسته است سعادت و خوشبختی برای ما به ارمان آورد. دروغ و فساد و رشوه‌خواری توسعه فروان یافته است. حتی دستگاه‌های الکترونیکی «دروغ‌یاب» و «تلی‌پاتی مصنوعی» نتوانسته است از تعداد جنایتکاران بکاهد. پول‌پرستی رواج فراوان یافته است. همه سعی می‌کنند با فریب و ریا و دروغ‌گویی دیگران را فریب دهند» (پرواز به سوی سیاره آزادی، ص ۱۳).

پیامد این تغییرات دائمی، ناپدید شدن گذشته و حسرت بر آن خواهد بود؛ «شاید تعجب کنید که اکنون آرزو می‌کنیم که کاش در «عصر حجر» زندگی می‌کردیم» (ص ۱۳). در این فضای اجتماعی بود که حکیمی به نوشتن این داستان روی آورد و در تقابل با گفتمان‌های موجود مضامین تفکر اسلامی شیعه را در



از آموزه‌های آن بهره‌مند شود به عبارتی دیگر دین اسلام، یا همان هدایتی که خداوند برای انسان‌ها مقرر داشته و در قرآن کریم تجلی‌یافته برای تمام شئون زندگی انسانی اعم از اخلاقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حکومت و تعلیم و تربیت برنامه‌ای دارد و قرآن کریم به‌عنوان کتاب آسمانی، دین اسلام را برنامه‌ای جامع برای زندگی بشر معرفی می‌کند.

بر مبنای تحلیل گفتمان انتقادی عناصر تربیتی این داستان در سه حوزه اهداف تربیتی، روش تربیتی و الگوی رفتاری، قابل استخراج است. حکیمی با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در جلب توجه مسلمانان به اصول زیربنایی اسلام داشته تا از این طریق، اهداف تربیتی متناظر با نظام اسلامی را نمایان سازد؛ چراکه هر تلاشی در جهت تعلیم و تربیت اسلامی منوط به این است که مرتباً به اصول اساسی اسلام ایمان و اعتقاد داشته باشد؛ بنابراین هدف غایی تعلیم و تربیت موردنظر حکیمی تربیت اسلامی است که از طریق آموزش اصول اعتقادی دین و مذهب یعنی؛ توحید در بعد افعال و صفات خداوند، معاد، نبوت و وحی و امامت حاصل می‌شود. بر همین اساس یکی از مواد آموزشی در جهت تربیت افراد، آموزش معارف دینی است.

حکیمی برای شناخت اسلام چند مفهوم را که توسط آنها می‌توان اسلام را بهتر شناخت، شامل؛ قرآن، پیامبر اکرم و شخصیت‌های برجسته و نمونه‌ای چون امام علی علیه السلام و ابوذر را بازگو می‌کند. در واقع حکیمی به دنبال طرح نظامی از تعلیم و تربیت است که از طریق امامان شیعه، پیامبر و قرآن به پروردگار عالم ختم می‌شود.

داستان پرواز به‌سوی سیاره آزادی متأثر از روش تربیتی قرآن به الگودهی به‌عنوان یک روش تربیتی و در قالب داستان پرداخته است. چراکه قرآن نیز بسیاری از الگوهای رفتاری خود را در قالب داستان به بشر معرفی نموده است. معرفی الگو غالباً در برابر الگوی مخالف موجود در یک جامعه معرفی می‌شود. داستان مذکور در عصر هجوم گسترده فرهنگ بیگانه غرب به جوامع اسلامی و ترویج و تحمیل الگوهای خود به جوانان، به الگوسازی و الگودهی پرداخته است

مضمون تربیتی بعدی در گفتمان داستان، الگوی رفتاری

گرفت... اعلامیه جهانی حقوق... بسیاری از این قوانین برای حفظ حقوق افراد بشر مفید است اما این قوانین برای اداره یک اجتماع و مسائل پیچیده آن ناکافی و سخت‌ناتوان است... و فاقد ضمانت اجرایی است... و اعتبار و ارزش چندانی ندارد. راجع به... کتاب آسمانی انجیل... باید قبل از هر چیز این نکته را تذکر دهیم که برای حقوق‌دانان سیاره ما سخت حیرت‌انگیز بود که هوشمندان سفینه مهتاب چنین کتابی را به نام کتاب آیین زندگی برای ما ارسال کردند... ما ضمن مطالعه انجیل‌های چهارگانه به تناقضاتی عجیب و حتی کودکانه برخوردیم و گذشته از آن در این کتاب جملاتی وجود دارد که انتشار آن به‌عنوان یک قانون موجب جنگ و نزاع بین افراد جامعه می‌گردد... در قانونی که تحت عنوان انجیل برای ما ارسال کرده بودید، به واژه محبت زیاد برمی‌خوریم. این واژه بسیار خوش‌ظاهر است اما تبلیغ آن در یک جامعه طبقاتی سخت خطرناک است... اما کتاب قانون سوم که بنام کتاب آسمانی قرآن برای ما فرستادید سخت حیرت‌انگیز بود. دانشمندان و حقوق‌دانان ما هنگام بررسی این کتاب دچار شگفتی شدند و ما در این فکر هستیم که چگونه زمینیان با وجود داشتن چنین کتابی باز هم دچار مشکلاتی هستند. در این کتاب نکته‌ای که بیش از هر چیزی جلب نظر می‌کند آن است که بر روی رهایی انسان از بند و بندگی و اسارت غیر خدا تأکید شده است. نکته دیگر آنکه در این کتاب از افراد خواسته شده است که حکومت خویش را به کسانی بسپارند که لیاقت و شایستگی و صلاحیت آن را داشته باشند و تأکید فراوان شده است که در جامعه هیچ‌یک از قوانین و مقررات و نظامات اجتماعی و اخلاقی بدون وجود یک حکومت صالح قابل اجرا نیست... این قوانین چون رشته زنجیری به هم متصل‌اند و اجرای هر یک از آنان بدون توجه به دیگر حلقه‌های زنجیر این مجموعه قانون زندگی، نتایج مفیدی دربر نخواهد داشت...» (ص ۴۱-۴۲-۴۵-۴۶-۴۷).

این گفتمان نویسنده است؛ یعنی اگر شریعت اسلام را در یک طرف و سایر شرایع آسمانی و غیرآسمانی و قوانین بشری را در طرف دیگری بگذاریم، شریعت اسلام از همه آنها جامع‌تر و استوارتر است. اسلام همان تسلیم شدن در برابر اراده خداوند است. برای مسلمان شدن مهم نیست که شما به کدام نژاد و ملت و زبان منسوب هستید. هر انسانی می‌تواند به دین اسلام درآید و

تسخیر کرده بود. این پژوهش براساس رویکرد نورمن فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین انجام گرفت. در سطح توصیف بیشتر روی این موارد تأکید شد. شخصیت‌ها، انتخاب نوع واژگان، کاربرد ضمائر که جنبه ایدئولوژیک نویسنده را نشان می‌دهد. در سطح تفسیر نویسنده توانسته فضای ملتهب فکری و فرهنگی حاکم بر آن دوره را به نمایش بگذارد و طیف گفتمان‌های مختلف آن دوره را بازتاب نماید، در واقع در جریان گفت‌وگوی شخصیت‌های داستان عقاید و افکار آنها نمایان می‌شود. بافت بینامتنی نیز به شکل یک میان‌متنیت آشکار و در یک زنجیره میان‌متنی با ذکر نقل‌قول‌هایی از قرآن مجید و نهج البلاغه و احادیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و گذشته تاریخی و اسطوره‌های مذهبی در جهت تحکیم گفتمان ایدئولوژیک نویسنده است. در سطح تبیین نیز رویارویی اندیشه‌ها و افکار، داستان را سرشار از فضایی تقابلی کرده است. در واقع داستان بیشتر یک صحنه مبارزه فرهنگی است؛ صحنه تقابل اسلام شیعه است با داشته‌های فراوانش در همه‌ی عرصه‌های حیات بشری - که البته از چشم جامعه و دنیا مغفول مانده - با ایدئولوژی‌های وارداتی. در بررسی، تعلیم و تربیت و با جمع‌بندی یافته‌های پژوهش در سطوح تفسیر، توصیف و تبیین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بازتاب مضامین تعلیم و تربیت در این داستان غالباً متأثر از گفتمان اسلام شیعه و در رویارویی با گفتمان‌های رایج مخالف است. به عبارت دیگر در تبیین مسئله پژوهش باید گفت که حکیمی در بستر تاریخی - اجتماعی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی و با مبانی فکری و ایدئولوژی اسلام شیعی و نظام ارزشی، معرفتی، انسان‌شناختی و پارادایمیکی که به آن تعلق دارد، هدف از تعلیم و تربیت را تربیت اسلامی ترسیم می‌کند. بر همین اساس دومین مضمون تربیتی، الگوی رفتاری برای کودکان است که در گفتمان داستان، قهرمان داستان نمونه الگوی رفتاری مناسب با برخورداری هم‌زمان از ایمان و علم، نمایان است. سومین مضمون تربیتی، روش تربیتی است که نویسنده با تأسی از قرآن روش الگودهی را روش مناسب دانسته است همچنین در گفتمان تربیتی وی روش تلفیق علم و عمل نیز مورد تأکید. حکیمی در آثارش انفعال در برابر فرهنگ‌های بیگانه به‌ویژه فرهنگ و تجدد

است. یکی از مضامین تربیتی نظام‌های آموزشی ایدئولوژیک - چه نظام آموزشی رسمی و چه غیررسمی (مثل ادبیات کودکان) - بازآفرینی الگوی رفتاری یا طراحی انسان مطلوب است (گوتک، ۱۳۸۸، ص ۲۰۴-۲۰۵). ذکر این نکته در اینجا لازم است که بدانیم آنچه که در این بخش به‌عنوان الگوی رفتار بیان می‌شود غیر از روش الگودهی است؛ چراکه قبل از استفاده از الگو به‌عنوان روش، ابتدا باید الگوی موردنظر تعریف شود. در اندیشه نویسنده به تأسی از قرآن به نقش الگو در پرورش انسان‌ها تأکید شده است و در موارد متعدد، پیامبر صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و انسان‌های صالح چون ابوذر را به عنوان اسوه و الگو معرفی کرده است و در گفتمان غالب داستان و منتج از تفکر اسلامی (شیعه)، دانش را بدون ایمان و عمل به دستورات الهی - همانند ساکنان سیاره پدینگ که دوهزارسال به لحاظ تکنولوژی و صنعت جلوتر از ساکنان زمین بودند - موجب فساد و تباهی و رشد رذایل اخلاقی در جامعه معرفی می‌کند و بر همین اساس نیز قهرمان داستان، الگوی رفتار (نمونه عمل) مناسب عینی و ملموس که دارای معرفت دینی از یک سو و معرفت علمی از دگر سو است، به‌عنوان الگوی رفتار مناسب ارائه شده است. با توجه به اهداف، روش‌ها و الگوی رفتاری موردنظر در گفتمان تربیتی نویسنده می‌توان گفت که یادگیری (شناخت) نیز از طریق تقلید رفتار الگو صورت می‌پذیرد و به‌تبع معلم تنها یک آموزگار برای انتقال معلومات علمی و دانش نیست؛ بلکه الگویی است که نمی‌تواند نسبت به اصول اخلاقی خویش بی تفاوت باشد و در واقع اخلاق و عمل معلم در فرایند تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

محمود حکیمی یکی از پرکارترین نویسندگان معاصر ایران در حوزه ادبیات کودکان است که در داستان‌هایش از دریچه ایدئولوژیک و نوع نگاه خود به انسان و در پاسخ به تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه وارد این حوزه شده است. داستان در واقع روایت جامعه‌ای است که مورد هجومه آثار و افکار نوبه‌نوی است که از سوی مارکسیست‌ها، غرب‌گرایان، علم‌گرایان و مروجان مسیحیت افکار جوانان، دانش‌آموزان و دانشجویان را

اذهان آنها تلقین، تحکیم و مشروع می‌گردد - ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. آنچه این مسیر را می‌تواند روشن سازد فهم گفتمان‌های موجود در این متون است؛ چراکه گفتمان وسیله ابراز و تقویت ایدئولوژی است و بهترین راه برای درک ایدئولوژی‌های پوشیده در قلب متون، آشنایی با روش و نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی است بر همین مبنا آنچه از برآیند این تحقیق می‌تواند به‌عنوان پیشنهاد مطرح گردد:

۱. تبیین و تدریس جدی روش و نظریه تحلیل گفتمان در دانشگاه‌ها به‌عنوان متولیان راهبردی نظام تعلیم و تربیت در کشور؛
۲. آشنایی معلمان به‌عنوان پیشانی اجرایی حوزه تعلیم و

تربیت هر کشور با نظریه‌های تحلیل گفتمان انتقادی؛

گنجاندن روش تحلیل گفتمان در درس روش تحقیق در دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی در کلیه دانشگاه‌ها به‌خصوص دانشگاه‌های فرهنگیان که ارتباط مستقیمی با تربیت معلمان و مربیان نظام تعلیم و تربیت کشور دارند.

غرب را به چالش می‌کشد. او تلاش می‌کند در آثارش نقش مذهب را در سعادت انسان به مخاطبان نوجوان خود معرفی کند و آموزه‌های قرآنی و ارزش‌های واقعی دین اسلام را به آنها بشناساند. وی معتقد است که علم و دانش بشری زمانی برای انسان سعادت می‌آورد که با آموزه‌های دینی همساز باشد و جامعه‌ای که تنها به داشته‌های خود متکی است و از آموزه‌های دینی بهره‌ای ندارد در عرصه حیات اجتماعی محکوم به شکست است و تفاوتی بین عالمان و دانشمندان بی‌ایمان امروز، با جاهلان بی‌ایمان دیروز در رفتارها و کردارشان وجود ندارد

### پیشنهادها

از آنجا که بخشی عظیمی از تعلیم و تربیت از طریق بینش متنی صورت می‌پذیرد و با نگرش به اینکه متون مختلف اگر نگوییم همه متون، غالباً آغشته به ایدئولوژی هستند؛ آگاهی نسبت به این ایدئولوژی‌ها - که در قالب‌های مختلف و ساختارهای رسمی و غیررسمی، عمدی و غیرعمدی تعلیم و تربیت، جزئی از نظام باورهای کودکان و نوجوانان، به‌عنوان وارثان و آینده‌سازان کشور در

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

\* قرآن کریم

۱. آقاپور، فرزانه (۱۳۹۷)، «شیوه‌ی القای ایدئولوژی و تأثیر آن بر تقابل لذت/آموزش در دو رمان نوجوان». مجله‌ی مطالعات ادبیات کودک، شماره‌ی ۲، ص ۱-۲۸.
۲. احمدی، اصغر (۱۳۹۲)، «تبیین جامعه‌شناختی تولید و محتوای ادبیات داستانی سیاسی در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی»، رساله دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. برخوردار، رمضان و سیدهادی مدنی (۱۳۹۵)، «تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی-انتقادی»، فصلنامه خانواده و پژوهش، ش ۳۰، ص ۹۳-۱۱۶.
۴. بشلر، ژان (۱۳۹۵)، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. حکیمی، محمود (۱۳۵۲)، پرواز به سوی سیاره آزادی، تهران: کانون انتشارات، چاپ آفتاب.
۶. ساشادینا، عبدالعزیز (۱۳۸۶)، «بنیادهای اخلاقی حقوق بشر»، ترجمه: محمود عباسی، لادن عباسیان، فصلنامه حقوق پزشکی، ش ۱، ص ۱۱۴-۱۳۲.
۷. ساعی، علی (۱۳۸۷)، روش تحقیق در علوم اجتماعی؛ با رهیافت عقلانیت انتقادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۸. شیروانی شیری، علی (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی مبانی فلسفی تربیتی و شگردهای جلوه‌گری مقوله‌های «اقتدار و آزادی» در داستان‌های فارسی و انگلیسی کودک»، رساله دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان.
۹. فتوحی، علی (۱۳۹۸)، کتاب سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۱۰. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۳۷۹)، درآمدی بر منشأ پیدایش دین، تهران: معارف.
۱۱. کربلای پازوکی، علی (۱۳۸۵)، «مسئله رستگاری و نجات پیروان ادیان از دیدگاه جان هیک، علامه طباطبایی و استاد مطهری»، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ش ۲۰، ص ۴۹-۸۰.
۱۲. کریمی فیروزجانی، علی (۱۳۹۶)، گفتمان‌شناسی انتقادی، تهران: روش‌شناسان و جامعه‌شناسان.
۱۳. گواهی، عبدالرحیم (۱۳۸۷)، شینتونیسم، تهران: نشر علم.
۱۴. گوتهک، جرالدا ال (۱۳۸۸)، مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه دکتر محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. گیلمت، لوسی (۱۳۸۶)، «روایت‌شناسی ژرارد ژنت»، ترجمه محمدعلی مسعودی، فصلنامه ادبی خوانش، شماره ۸، <http://www.khanesh.ir/>، بازیابی شده در ۱۴۰۰/۷/۵.
۱۶. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۷. محمدخانی، کورش (۱۳۸۲)، «بررسی جنبه‌های تربیتی کودک و نوجوان در افسانه‌های شفاهی منطقه گوران کرمانشاه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
۱۸. محمدی، محمدهادی و زهرا قاینی (۱۳۹۴)، تاریخ ادبیات کودکان ایران، جلد نهم، ادبیات کودکان در روزگار نو، ۱۳۴۰-۱۳۵۷، تهران: نشر چیستا.
۱۹. مقدادی، صدیقه سادات (۱۳۸۹)، «بررسی زبان‌شناختی ادبیات جنگ برای کودکان در ایران از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی»، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۰. میرصادقی، جمال (۱۳۸۵)، عناصر داستان، تهران، نشر سخن.
۲۱. هیوز، هنری استیوارت (۱۳۹۶)، آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۲۲. یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیس (۱۳۹۴)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
23. Machin, D and Mayr, A(2012) *How to do Critical Discourse Analysis*, Sage: London, 240 pp.
24. Geneette, G. (1980). *Narrative Discourse: An Essay in Method*, trans. Jane Lewin, Ithaca: Cornell University Press.



29. Simpson, P. & Mayr, A. (2010). *Language and Power: A Resource Book for Students*.
30. Stephens, John; McCallum, Robin. (2011), *Ideology and Children's Books*. pp 359-71 in *Handbook of Research on Children's and Young Adult Literature*, Edited by Shelby Wolf, Karen Coats. Patricia Enciso, Christine Jenkins. New York: Rotledge.
31. Van Dijk, T. A (n.d), *Ideology and discourse. A multidisciplinary approach*. Retrieved from discourse.org. Accessed 3 September 2015.
25. Keyes, M. & McGillicuddy, A (2014), *Politics and ideology in children's literature*. Dublin: Four Courts Press.
26. Martenst.A (2015), *Ideology in Children's Literature: Critical Discourse Analysis of the Adult- University of Amsterdam*.
27. Parker, L (1992), *Discourse dynamics: Critical analysis or social and individual sychology*. London: Routledge.
28. Pesonen, J. (2010). *Children's Literature and Informal Education: hanging Representations of viv ersity in Finnish Children's Literature'* Conference: ECER.

